

پرولتاریائی جهان، متحد شوید!

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

۱۷ اردیبهشت ماه، نورمحمد تره کی رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان طی کنفرانس مطبوعاتی به روزنامه نگاران توضیح داد که حکومت جدید بیانگر منافع واقعی اقوام و شهروندان ستمدیده مردم افغانستان یعنی کارگران، دهقانان و یوزوزهای کوچک ملی است. بسود تمام خلق کار میکند، میخواهد در کشور اصلاحات ارضی انجام دهد و اطلاعات دیگری به عمل آورد تا موجب رشد منظم اقتصادی و اجتماعی و ارتقاء سطح زندگی مردم فراهم گردد.

مبارزه دشوار، پیگیر و سرسخت باشیم!

(نظری به وضع کنونی جنبش و وظایف مبارزان ضد رژیم)

تلازه امپریالیستها، معروف به تاکتیک «حقوق بشر» (۱) خود يك شیوه جدید نواستعماری است که برای حفظ مواضع متزلزل غارتگران امپریالیستی به میدان آمده است. تازه این اقدامات لیبرال، موافق گزارش دقیق و مستند آقای نوری آلایا و وکیل فرانسوی (که ترجمه کامل آنرا در مجله دنیا در سال پنجم شماره دوم نشر داده) در همه زمینه های ادعایی مانند سانسور، شکنجه، غارتدانیان سیاسی، داد گاه نظامی و غیره، دروغی بیش نیست و رژیم درخیم صفت محمد رضا شاه، صرف نظر از برخی بزه های سطحی، عمیقاً بخودش و فادار مانده است. شاه در عین حال، بتصور آنکه خواهد توانست مسلمانان را بفریب دست به عوامفریبی غلیظ مذهبی زده است. در سفر مشهد، شاه یکبار دیگر به حربه تظاهرات و روغین و ریاکارانه مذهبی متوسل شد و خود را حامی دین و حافظ اسلام جلوه داده است! جامعه دینی و روحانیون شیعه در کشور ما خود بهتر میتوانند در باره این عوامفریبی های خانواده پهلوی ققنوس کنند. از کشتار مدرسه گوهر شاد مشهد در زمان رضا شاه گرفته تا کشتارهای متعدد در قم، روش پهلوی پدر و پسر نسبت به محافل روحانیت و اسلام روشن است. عوامفریبی های مذهبی شاه خود نمونه مبارزات قشر روحانیت ضد رژیم و با این حساب است که بتواند جمعی از روحانیون را بدنبال رژیم بکشد. آری آنچه که واقعی است ادامه سیاست ستی رژیم در همان مجرای کذائی ضد ملی (همکاری باامپریالیسم) ضد دموکراتیک (سرکوب آزادیها و حقوق دموکراتیک مردم) است. رژیم شاه، در نتیجه تحولاتی که در جهان و منطقه در جهت گسترش فعالیت خلقها روی میدهد، وظیفه دیگری برای خود نمیشناسد، جز آنکه ثروت نفت کشور را در اختیار امپریالیسم قرار دهد، بهای نفت را متعجب سازد، کشور را با شبکه های از نیرو گاههای اتمی که پیدایش آنها ثمره ضرورت تکامل اقتصادی و فنی کشور نیست و هدفی جز مطامع انحصارهای انرژی امپریالیستی ندارد، پیوشاند. شاه بار دیگر در صدد است دست به خرید بیست میلیارد دلار سلاح بزند. الحق در مورد این رژیم ماوراء ارتجاعی این مثال صادق است که نه چیزی را آموخته و نه چیزی را فراموش کرده است.

لذا برای مردم ایران مبارزه بمنظور برانداختن رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه و در راه ایجاد حکومت ملی و آزادخواه راه خلاص از تنگنا و تنها هدف منطقی است. برای آنکه این مبارزه ثمربخش باشد نباید کلیه نیروهای مخالف رژیم در هماهنگی با یکدیگر عمل کنند. از تفرقه و تصادمات مضر بپرهیزند و بکوشند تا هدف مشترک را در تلاش مشترک پیش ببرند. عزم وفاداری خلق در پیکار علیه استبداد که بارها بمنصه ظهور رسیده است، سزاوار هزاران آفرین و مایه سربلندی هر ایرانی است. اگر این عزم و فداکاری و جانبازی با تدبیر و بصیرت سیاسی، با غلبه بر پیشاورها، با طرح شعارهای واقع بینانه، با محاسبه نیروی خوی و دشمن، با استفاده از اشکال مختلف مبارزه از مخفی و علنی، مطالباتی و سیاسی همراه گردد و مانور های مختلف رژیم عظیم گذارده شود، آنگاه تردیدی نیست که تناقضات درونی رژیم بنحوی سابقهای تشدید خواهد شد، مبارزه ریشه خواهد دوام و دوام رژیم جابجواغصب موجود بیش از پیش دشوار خواهد شد. حزب ما مبارزه تصریح کرده است که وحدت عمل کلیه نیروهای ضد رژیم صرف نظر از تعلق طبقاتی

جمله اخیر مبارزه مردم در قریب سی شهر و شهرک ز آب جمله تهران، تبریز، قم، شیراز، غیره، حوادث اخیر و خویش دانشگاه سح از پانزدهمین سال رویداد خونین پانزدهم شهرهای مختلف ایران که عزم مردم را برود علیه شاه جلا دهنده متجسسی ساخت. ر. نشان داد، که واکنشهای رژیم (که نه آمیزهای از جلادی و سالوسی است) نمیتواند یکبار چوئی خلق فتوری ایجاد کند. این زه بیش از پیش چهره رژیم ضد ملی و استبدادی بنا شاه را برملا ساخت. اعلامیه دولت و ناه در کاخ نیاوران و در سفر اخیر مشهد، اسه باصطلاح اندیشمندان، علی وشتی که رژیم در نهان داشتن عقیده درونی، درست از همین ترس حکایت میکند. یم در قبال این حوادث دست به چندرا کش

(مهمترین شیوه او همان شیوه کذائی است شت يك نظام ضد خلقی و مبتنی بر ستم یعنی توسل به فشار و تضييق. در هفته های بهرهای مختلف صدمه از این مبارزان یازداشت اه رسماً تهدید کرد که بازداشتگان را تحویل لایمی خواهد کرد. وی یکبار دیگر تکیه مش را باین بیداد گاه های غیر صالح تصریح نش رژیم در مقابل تدارک مردم برای یادآوری از وئین پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ (که رژیم آنرا روز معین، نام نهاده) نمودار روشی از ترس ز جنبش و عکس العمل وحشیانه او در مقابل ردیف همین اقدامات تضييعی باید از انواع قانونی مانند طرح «قانون مطبوعات» سخن در آن انتقاد از «نظام شاهنشاهی» و شاه سلطه و ولیعهد، چنانچه قابل مجازات تشخیص است!

(شیوه دیگر رژیم کوشش برای ایجاد تفاق تر میان نیروهای مبارز ضد رژیم است. رژیم میکوشد مخالفان را به «افراطی» و «تقسیم کنند. وسی دارند یا «اعتدالیون» را بربایند و بقول روزنامه «لوموند» آنها را وختی، کنند. در این زمینه نیز مانور ها و عیدمدی در جریان است. تاکتیک دشوای خود در این زمینه هیچگونه نتیجه ای ست. توده خلق که علیه این رژیم ضد دموکراتیک وارد عمل شده، بیک اقدام دست نزده است. مظاهر سیاست رژیم در هر ساعت، بشکل گرانی، فشار، فقدان بود سری مأموران دولت، زندگی عاری از در برابر اوست. علیه این واقعیت است که با وجود خطرات مبارزه با يك نظام بیرحم، بیوجدان، وارد عرصه نبرد شده اند. نه رژیم یابن تبلیه ها خاتمه دهد و نه مردم قصد نها ساز کار باشند. روش دیگر رژیم عوامفریبی است. شاه دعوی ه هجده ما هست «آزادیهای داده و قصد پس طایبی، خورما هم ندارد آنچه که مربوط باین «اعطائی» است، بر خلاف دعوی شاه، روزنامه «نیویورک هرالد تریبون» مدعی شده است که ت فشار غرب و مجبور شده است به برخی لیبرال، دست یازد، در حقیقت هم این سیاست

نخستین گامها در راه رسیدن به هدفهای انقلاب هفتم نور

— برای آنکه اصلاحات ارضی دموکراتیک بسود دهقانان و با شرکت فعال آنان انجام گیرد، کارنامه دار روشگری آغاز شده است. این کار از آنجهت ضرورت دارد که اکثریت عظیم دهقانان و کوچ نشینان بسوداند و برنامه حکومت و پروژه برنامه اصلاحات ارضی باید بطور شفاهی ایضاح گردد. کمیته های روستائی تشکیل می یابد و نخستین تمولنی های روستائی ایجاد میگردد؛ — سازمانهای گوناگون توده ای یعنی اتحادیه های کارگری، سازمانهای جوانان و دانشجویان، زنان و غیره گسترش می یابند. نخستین اتحادیه کارگری را کارگران کارخانه نساجی واقع در حومه کابل تشکیل دادند. محمد دانش وزیر صنایع و معادن در میتیگی که بدین مناسبت برگزار شد سخنرانی کرد و گفت: «تأمین دنباله در صفحه ۲»

در مدت کوتاه یکماه که از آن تاریخ میگذرد، در نتیجه کار و کوشش شبانه روزی حکومت انقلابی در راه تحقق هدفهای انقلاب اقدامات چشمگیری بعمل آمده است: — قیمت خوار پار کاهش یافته، از آنجمله قیمت نان، آرد و گوشت ۲۰ تا ۳۰ درصد تنزل کرده است. — الفاء کلیه اشکال تجعیش اعم از ثرائی، زبانی، قومی و غیره اعلام گردیده و با انتصاب فرمانداران خلقی بجای فرمانداران ضد خلق پیشین، برای پایان دادن بوضع بی حقوقی مردم گام جلی برداشته شده است؛ — توزیع عادلانه خوارپار در میان کارمندان کارگران و نظامیان طبق تصویب نامه ای تنظیم شده است؛ — برای زحمتکشان کم در آمد کمک مالی و اضافه دستمزد منظور گردیده است؛

کنفرانسهای «ملی» کار و رسالت تاریخی کارگران

روز های اول خرداد به برگزاری مجمعی، که دولت و کارفرمایان آنرا کنفرانس ملی کار نامیده اند، اختصاص داشت. در خرداد اسام دهمین کنفرانس از این نوع کنفرانسهای سالانه، که در آن بنا به گفته مقامات دولتی نمایندگان دولت، کارفرمایان و کارگران شرکت میکنند، تشکیل گردید. کنفرانس طبق معمول با پیام شاه، که از نتایج کارکنفرانسهای گذشته و سهمی که این کنفرانسها در توسعه همکاری، دولت و کارفرمایان و کارگران داشته است، اظهار خوشنوی، نمود آغاز گردید، و با نطق دیگر مقامات دولتی و کارفرمایی، که همه یکصدا، مسئله بهره وری بیشتر نیروی کار و آشکار تر گفته شود بهره کشی از نیروی کار را به بحث گذاشته بودند، جریان پیدا کرد و خاتمه یافت. مصوبات کنفرانس هم «ملی» کار نیز به تأمین نظر اخیر اختصاص داشت. چنانکه تصمیمات کنفرانسهای گذشته نیز علیرغم تفاوت ظاهری در متن مصوبات و قطعنامه ها همین هدف را تقبیل مینمود. نتایج کنفرانسهای «ملی» کار از نظر دولت و کارفرمایان البته جلی خوشنوی، دارد. در گذشته و بدون کنفرانسهای ملی کار هم، دولت و کارفرمایان بهره کشی از نیروی کار کارگر ایرانی را طبق تمایل و تأمین مقاصد استثمار وحشیانه و محروم داشتن کارگران از آزادی در عرصه و فروش تنها کالای خود - نیروی کار - انجام میدادند. تضييعات آشکار پالیسی و امنیتی نسبت به کارگران و سازمانهای صنفی و سیاسی مدافع حقوق آنان از یکطرف، نقض آشکار و بی پرده قوانین کار و بیمه های اجتماعی و امتناع از اجراء مفاد آنها از جانب کارفرمایان و دولت از جانب دیگر

پراودا در باره اظهارات وزیر خارجه هندوستان در تهران

بطوریکه خبرگزاری «فرانس پرس» خبر میدهد، در جریان مذاکرات واجیائی وزیر خارجه هند با شاه ایران، شاه موفق نشد پشتیبانی هند را از اتحاد ایران و پاکستان (که ایران در نظر دارد برای مقابله با رژیم مترقی جمهوری دموکراتیک افغانستان بوجود آورد) جلب نماید. واجیائی در مصاحبه مطبوعاتی خود در تهران گفت: «هند خواهان تأمین امنیت اقیانوس هند و تبدیل آن به منطقه صلح است و این امر میتواند از راه کاهش تسلیحات، از میان بردن همه پایگاههای خارجی در منطقه، از جمله پایگاه آمریکا در جزیره «دیگو گارسیا» عملی شود». (پراودا - ۲۹، ۱۹۷۸)

ابطایل آقای سفیر!

هر چه زمان میگذرد، رژیم محمد رضا شاه متغیرتر و منفردتر در مسیر سرنوشت به غربی شباهت می یابد که در احاطه امواج، برای نجات دست و پا میزند. در چنین حالی صف کارگردانان شاه که روز گری ظاهری یکپارچه داشت ضرورتاً متعوض میگردد. بسیاری از عمل رژیم که با چشمی نسبتاً باز به ایران و اطراف مینگرند دیگر حاضر نمیشوند سرنوشت خود را به رژیم ببندند که بجهت انتقام مردم ایران پس از بیست و پنج سال دیکتاتوری خونین گریبان آنرا گرفته و باب پرتگاه فنا میکنند. ولی افرادی نیز از کارگردانان رژیم یافت میشوند که مانند شخص شاه به سنگینی دماوند سابقه جنایت علیه مردم و وبال خیانت باایران برگردن دارند، پلها را پشت سرکشته اند و اینک بسیم آخر میزند. در میان این افراد اردشیر زاهدی سفیر شاه در آمریکا جای ویژه ای دارد. این شخص که اگر در کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد پدرش یادوی شوارتسکیف و لوی هنترسون و خودش سرسته گروهی از چاقو کشان، درباری نمیبود و از این طریق داماد شاه نمیشد، هرگز از سطح يك ولگرد و حد اکثر يك دلال اتومبیل بالاتر نمیرفت، سالهاست که در سایه حمایت شاه و هارترین محافل امپریالیستی بیکی از «رجال کشور» و اندیشمندان، سیاست خارجی ایران، مبدل گشته است، که بنوبه خود یکی از هزاران دلیل ادب و تعقیر مردم ایران زیر سلطه دیکتاتوری آریا بهی است. این شخص در امریکا بموازات زد و بدو های رنگا رنگ و ارتباطات مشکوک با دلالان امپریالیستی و دلالة های صهیونیستی، بطور مداوم مشغول تحریرات علیه جنبشهای ضد امپریالیستی و آزادخواهانه مردم ایران و خاتهای اسیر منطقه نیز هست. سخنرانی اخیر وی در کلوب اسرمان نیروی دریائی آمریکا که در شماره ۲۸ اردیبهشت «کیهان» نیز منتشر گردید، نمونه ای

شاه ایران علناً خود را مدافع غرب میدانند

در هفته اخیر شاه عربستان سعودی خالد، با فهرستی طولانی از سفارشیهای اسلحه مختلف مدرن به پاریس رفت. در کشورهای ناستو شاه ایران نیز تلاش خود را برای خرید یارتی های تازه اسلحه ادامه میدهد. شاه علناً و آشکارا گفت که هدف او عبارت است از «دفاع از منافع غرب» در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند. بدینسان يك «اتحاد مقدس» علیه نیروهای مترقی و رهائی بخش ملی در نقاط مختلف جهان در حال پیدایش است. (از مقاله تحلیل بین المللی هفته روزنامه پراودا مورخ ۴ ژوئن ۱۹۷۸)

نخستین گامها در راه رسیدن به ...

حقوق و آزادیهای دموکراتیک زحمتکشان - کارگران، دهقانان، روشنفکران و پیشه‌وران - یکی از هدفهای بنیادی انقلاب هفتم ثور است. او اظهار اطمینان کرد که زحمتکشان مؤسسات دیگر از اقدام کارگران نساجی سرمشق خواهند گرفت:

طبق آمار موجود ۹۰ درصد اهالی بالغ، بیسوادند و فقط ۱۰ درصد کودکان به مدرسه میروند. بدین لحاظ مسئله مبارزه با بیسوادی و اصلاح و گسترش آموزش و پرورش اهمیت ویژه‌ای دارد. در این زمینه نیز اقدامات مؤثری بعمل می‌آید. برای کارگران و دهقانان مدارس شبانه تأسیس می‌یابد و فعالین حزب دموکراتیک خلق در کلاسهای مبارزه با بیسوادی و مدارس شبانه به رایگان تدریس میکنند:

کودکان بی‌سرپرست جمع‌آوری و پرورشگاه‌ها نگهداری میشوند. در کوه‌های کارگری کابل کودکتانها ایجاد میگردد:

با تخفیف قیمت اذغایر دولتی سیمان و مصالح ساختمانی بفروش میرسد:

با کمک اتحاد شوروی، نخستین دولتی که دست همکاری پسوی حکومت انقلابی افغانستان دراز کرده است، بزودی يك مجتمع خوب مس در افغانستان ساخته خواهد شد. قدرت تیر و گاه برق حرارتی مزار شریف افزایش خواهد یافت. جبهه کشف معادن گسترش خواهد پذیرفت:

رسیدگی به پرونده‌های راکد دادگستری، اصلاح سیستم دادرسی، تهیه لوازم قانونی از آنجمله لایحه قانونی برای منع زناشویی زودرس، تعدد زوجات و تأمین برابری حقوق زنان با مردان در مورد طلاق با شور انقلابی جریان دارد:

برای حفظ امنیت دولت در برابر تجاوز خارجی و اخلاک‌گراان داخلی کمیسیون ویژه‌ای تشکیل یافته است. این بود فهرست ناقصی از اقداماتی که تاکنون بعمل آمده است. محمد داود در مدت چهار سال زمامداری بر جهت وعده‌هایی که داده بود کوچکترین گامی برنداشت. اینک پس از انتقال قدرت بدست خلق تحولات دانه‌دوازدهمی در جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام میگردد و برای مردم این کشور آینده تابناکی نوید میدهد.

ابطال آغای سغیر!

از این تحریکات است. خلاصه سخنرانی زاهدی آن است که پس از ترسیم لولوی «خطر کمونیسم» از امریکا دعوت میکند برای نجات رژیمهای دست نشانده و ضد خلقی منطقه (البته در نوبت اول رژیم محمد رضا شاه) مستقیماً وارد میدان عمل شود و «نقش فعالتری» ایفا نماید. زاهدی جنبشهای رهایی بخش خلقهای خاور میانه و آفریقا را «ایجاد افشاش» از جانب شوروی و کوبا را برای «کنترل خطوط تانکر نفتی دریایی» مینماید. کدام «نقش فعالتر» باقی مانده است که امریکا تاکنون در حمایت رژیم برای سرکوب مردم ایران انجام نداده باشد؟ کودتای ۲۸ مرداد، بازگرداندن شاه بحکومت غاصبانها، کمک مستقیم بوی برای برقراری رژیم خوتین دیکتاتوری و امحاء کلیه حقوق و آزادیهای مردم ایران، تسلیح شاه با جدیدترین سلاح‌ها هر سال به قیمت میلیاردها دلار که اینک سربه ۲۰ میلیارد میزند (و گشتگوی خرید ۲۰ میلیارد دیگر نیز جریان دارد!)، اعزام ۳۵ هزار کارشناس نظامی امریکا بایران و برقراری کنترل آنها (که تاسل ۱۹۸۰ باید به ۶۰ هزار نفر برسد) بر ارتش و افسران ایران بمنظور جلوگیری از ظهور تمایلات میهن پرستانه در ارتش ایران و غیره، آن وسائل و شیوه‌هایست که تاکنون امریکا بوسیله پشتیبانی از رژیم دیکتاتوری بکار بسته است. ولی نتیجه کلیه این اعمال آن شده است که امروز زمین ایران زیر پای رژیم محمد رضا شاه میلرزد و میسوزد. اردشیر زاهدی که خواهان «نقش فعالتر» است آسیا میخواید امریکا بطور آشکار و مستقیم به منطقه لشکرکشی کند؟ چنین پیشنهاد آدم‌خوانه‌ای که در واقع پیشنهاد شعله ورساختن حریق جهانی است فقط از مغز افراشی چون سفیرشاه در امریکا میتواند ترشح کند.

و اما مسئله «کنترل خطوط تانکرهای نفتی دریایی» که شاه و کارگردانش مرتباً برابابان تذکر میدهند و خود را «نگهبان» این خطوط می‌نامند، جز اباطیل چیز دیگری نیست. خواست کشورهایی که نفت خیز در مسئله نفت آنست که این ثروت خود را از

در مبارزه دشوار، پیگیر و ...

و جهان بینی آنها، شرط اصلی و مقدم موفقیت است. زیرا رژیمی که دارای امکانات وسیعی است و قصد ندارد به اراده و خواست مردم ترتیب اثر بدهد، یا سانسو برچیده نمیشود. در اینجا پی گیری و سرخشی همه مبارزان استفاده از اشکال تمرینش مبارزه در راه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و عقیم گذاردن سیاستهای ضدملی ضرور است. باید با تمام قوا کوشید تا قشرهای دموکراتیک مردم هرچه بیشتر وارد عرصه عمل شوند. باید با تمام قوا کوشید تا نیروهای مسلح در جهت مبارزه مردم قرار گیرند. باید از اشکال خود بخودی، حادثه جوینا و احساسی مبارزه‌پرهیز کرد و برادران، راسمان و سازمان داد. در این مبارزه هیچ چیز از تفوق، حادثه جویی، اقدامات ناسنجیده و عمل بی نقشه، پندارهای ساده گریانه، بی تباری و شتاب زدگی مضر تر نیست. در این جنگ مرگ و زندگی که بین رژیم بعد اعلی ارتجاعی و فاسد از سوئی و مردم مستعدیده و غارت شده ایران از سوی دیگر در گرفته است، همه مبارزان ضد رژیم باید برگ زرین و پر افتخار دیگری بر تاریخ جنبشهای انقلابی، که کارنامه کشور ملای افغانستان، بیافزایند و این جنبش را با پیروزی قرن سازند. حوث توده ایرانی بنویس خود، وفادار به سنت طولانی نبرد پی گیری خویش با ارتجاع و امپریالیسم، مانند همیشه در کنار همه آن زنان و مردان میهن پرست و آزادی خواهی است که از برای دموکراسی و استقلال کشور با رژیم ضد ملی و استبدادی محمد رضا شاه پیکار میکنند.

س. ا.

دژخیمی رفت و سردر خیم باقیست

ارتشبد نعمت‌الله نصیری، یکی دیگر از مظاهر ظلمانی دورانی کابوسی محمد رضا شاهی، بدستور ازبای ازبلیست سازمان دوزخی ساواک برداشته شد. منکلی این مأمور روشن است: شاه در این مورد نیز مانند موارد نظیر (دور کردن آزموده معروف به آیشمن ایران) یکی از مهره‌های رسوا را قربانی میکند تا شاید خود را از خشم عمومی حفظ نماید. ولی کیست که نداند امثال نصیری قره نو کوری گوش بفرمانند و سرمشاه خیانتها و جنایتها خود شاه است! گرچه بدست امثال نعمت‌الله است و تا این جبر دو الیا و وزیر کرده خلقی سوار است. کارها زار است. آنچه که مردم ایران میخواستند برچیده شدن بساط استبداد و اختناق ساواکی است و نه اینجا کردن مهره‌ها و این منظور نیز در اثر «الطاف» آریامهری و «آزادیهای» اعطائی او حاصل نمی‌آید، بلکه تنها مبارزه متحد خلق قادر است رژیم مغفور را بر اندازد و راه را برای آزادی و استقلال گشوده سازد.

قیود استعماری کهنه ونو و از زنجیر شرایط غارتگرانه و استقلال شکنانه بدر آورند. قصد بستن راهها به نفت و قطع جریان نفت به بازار جهانی در میان نیست. استعمار و امپریالیسم باید بگور سپرده شود و یگانه مناسباتی که در میان کشورها و خلقها قبول است مناسبات برابری است. زاهدی که برای جلوگیری از برقراری چنین مناسباتی امریکا را با جرای «نقش فعالتر» دعوت میکند در واقع اثبات میکند که او نه سفیر ایران، بلکه نوکر امپریالیسم غارتگر است. در دنیای امروز که صلح بزرگترین نیاز جامعه انسانی و مبارزه در راه حفظ صلح مقدس‌ترین وظیفه هر فرد با وجدانیت، ناله‌های جغدوار اردشیر زاهدی و بویژه اتهامات ضد شوروی او نفوذ هر ایرانی شریف و میهن پرستی را بر می‌انگیزد. به تصدیق دوست و دشمن کشور ایران جز صلح دوستی و خیرخواهی و همکاری و کمک متقابل چیز دیگری از اتحاد شوروی ندیده است و منبج ما استقلال و موجودیت دولتی خود را مرهون انقلاب کبیر اکبر، لین و همسایه دوست و پر قدرتی چون اتحاد شوروی میداند. آیا سزاوارست که يك گنگستر بی وطن در لباس سفیر ایران این تحریکات پست فسطاطانه را علیه صمیمی ترین دوست مردم ایران انجام دهد و آیا سران رژیم که مرز ایران

سخنرانی آموزگار در تبریز.

به تبریز فرمود آموزگار که ای مردم خوب و پرهیزکار شهنشاه خدا را پرستش کنید ز ترس خدا گناه و گناه کشند نگردیدید هرگز بگرد حرام خطا نیست در گفته اش يك كلام یقین با وضو داده دستور تیر برای شما مردمان دلیر اگر می ستاند ز مردم خراج خراجی بود لایق تخت و تاج اگر رفت ما را نماید خراج چه غم چون به کارتر، دهد بهرباج «بگین» را به نرمی نوازش کند سرفتن با غرب سازش کنند چو منظور او هست جلب شما خرد اسلحه بهر قلب شما ز من خاندانش گرسنه ترند بجای علف در طلا می چرند چو ایران بسرعت شود مستقل همه ثروتش را بکند منتقل شهنشاه نه کار خطا میکند برای رضای خدا میکند کتم پرش از جمله مرد و زن: چنین شه بود خائن و بی وطن؟ شعار شما دمرگ پر شه، چراست؟ صفوف شما باز در ره چراست؟ اگر شه نچاید تپ من مباد بدین یوم و بر زنده يك تن مباد آلاله

کنفرانسهای «ملی» کار و ...

ایزار عمده ادامه استعمار وحشیانه کارگران بود. از نه سال بابتطرف ضمن حفظ این ابزار عمده، تشکیل کنفرانس ملی کار و دیگر ظاهر سازها و توزیع های گوناگون تحت عنوان سهیم کردن کارگران در سود و سهم کارخانه ها و نظائر آن مسائل دیگری هستند که برای ایفاء استعمار وحشیانه نیروی کار و تشدید این استعمار بضممت گرفته شده و میشوند. «توسعه همکاری» که شاه از آن تلم میبرد، در اسلای گذشته بر این چهارچوب صورت گرفته و البته تمایلات رژیم و کارفرمایان آزمد خلرجی و داخلی را، که هم چنان بحفظ شرایطی که به آنها اجازه میدهد به استعمار وحشیانه نیروی کار در ایران ادامه دهند، بطور کامل برآورده ساخته و میسازد.

اما کارگران! آیا آنها هم میتوانند از نتایج کنفرانسهای ملی کار اظهار رضایت کنند؟ پاسخ این سؤال منفی است. کارگران به تشکیل کنفرانسهای ملی کار، که در شرایط ترور پلیسی و امنیتی و ادامه محرومیت آنان از ساد ترین و طبیعی ترین حق خود یعنی حق فروش آزاد نیروی کار بر گزار میشود، معترضند. زیرا قبل از همه این وضع مانع از آنست که کنفرانس کار بصورت کنفرانسی سه جانی که شرکت کنندگان آن از حقوق برابر وارو در چهارچوب جامعه سرمایه داری برخوردار باشند تشکیل گردد. در وضعی که کارگران از آزادی تشکیل سندیکاها و اتحادیه های واقعی خود، که در جامعه سرمایه داری تنها نیروی است که به آنان امکان میدهد لااقل به آزادی کالای نیروی کار خود را به بازار فروش عرضه نمایند محرومند، چگونه میتوانند جانب متساوی الحقوق کنفرانس ملی کار باشند. در این شرایط کنفرانس کار تحت هر عنوانی تشکیل شود، کنفرانس دو جانبه و دقیقتر گفته شود، کنفرانس يك جانبه کارفرمایان است. در چنین کنفرانسی فقط و فقط تصمیمات ضد کارگری میتواند گرفته شود.

پنهان نیست که هدف سرمایه داران استعمار هرچه شدید تر ویرر حمانه‌تر کارگران است. اما تجربه نشان میدهد که طبقه کارگر، تا هنگامیکه نتوانسته بهر هائی خود و همه جامعه از استعمار نائل آید، در و شوروی را مرز صلح مینماید از اظهارات سفیر شاه در واشنگتن بی اطلاعند؟ آنچه مسلم است اینست که خلفا راه و هائی را با عزمی راسخ طی خواهند کرد. ع. گ. آزاد

جهان در بلره ایران

(کمیته صلح سوئد سیاست جنگ و ترور رژیم را محکوم کرد)

کمیته صلح سوئد در تاریخ ۲۰ به توجیه به مبارزات پر توان مردم ایران علیه رژیم استبدادی شاه قطعنامه‌ای صادر و در آن ضمن محکوم کردن سیاست تجاوزکارانه و ترور رژیم، خروج ارتش از اوعمان، آزادی زندانیان سیاسی و رعایت حقوق دموکراتیک مردم ایران را طلب و کمونیستهای آلمان فدرال بر پشتیبانی خود از مبارزات مردم ایران تأکید کردند

در روزهای ۱۳ و ۱۴ ماهه فست جوانان کمونیست آلمان فدرال با شرکت بیش از ۲۰۰ هزار نفر تشکیل شد. نمایندگان سازمان جوانان مترقی ۴۲ کشور در فستیوال شرکت جستند. از جمله سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران (اودی) با تشکیل سه غرفه در این فستیوال شرکت کرد. نمایندگان اودیسی در جلسات هم و میتینگهای مختلف جنبیها و خیانت رژیم شاه را علیه منافع ملی مردم ایران اف کردند. رفیق و هریوت میس، رهبر حزب کمونیست آلمان در دیدار خود از غرفه اودی گفت:

«حزب ما با تمام امکانات خود از مبارزات ایران و مبارزه شما جوانان علیه شاه پشتیبانی کرده و خواهد کرد. قلب همیشه با شماست»

صورتیکه از آزادی فعالیت صنفی و سیاسی بر باشد، میتواند طبع سرکش غارتگرانه سر مهارزند و سرمایه را به خرید نیروی کار با پرداخت بیش ارزش واقعی این نیرو و استفاده قانونی وادار سازد. اما این وضع تنها در شرایطی عملی که حاکمیت خود سرمایه میکی بزور آشکارا قانونی و تعرض رژیمهای استبدادی و دیکتاتوری آشام قرون وسطایی، که هدف خود را خدمت بهامپراتور و سرمایه داخلی وابسته به آن از راه حفظ وحشیانه زحمتکشان خودی قرار میدهند، نظر هم اکنون بر جامعه ما مستولی است، نباشد. شرایطی نه فقط تأمین حقوق کارگران در عرصه نیروی کار نمیتواند تحقق یابد، بلکه بهمرامه کار قسرو سب سرمایه داران نیز که در استعمارهای دهه قرار میگیرند، استبداد و دیکتاتوری خون آشام و سطلانی خود فروخته بهامپریالیسم، یعنی همین که از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ به ابیطرف به ما مستولی گردیده، مانع عمده و اساسی در سر راه رابطه و ضابطه برابر بین کارگر و کارفرماست. استقرار آن شرط عمده پایان دادن به استعمار و غارتگرانی نیروی کار و بر خوردار ساختن کارگر از بر خورداران رژیم و بر خوردارانی است که در فروش آزاد نیروی کار است. البته نیل به حق فروش آزاد نیروی کار دیگر نمیتواند هدف غائی کارگران ایران باشد ایران بیش از آن کارگری است و کارگران در جامعه امروز دنی برتر از آن دارند که تنها آزادی در چارچوب فروش نیروی کار آنها را از دست بدهد. بلکه اهرم عمده ادامه استعمار و غارتگرانه کارگران بسود امپریالیسم و سرمایه و طفیلی بشمار میرود. پیوند ترونی مبارزات دیکتاتوری با خواستهای کارگران، که وسیع تر از پیوند خواستهای کلیه طبقات و اقشار جامعه با ضد دیکتاتوری است، از همین واقعیت ناشی میشود. م. کارگر